



ژورنال حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۴۰۰
شماره پیاپی ۲۴ (صفحات ۳۱۸-۲۹۳)



تحکیم حاکمیت قانون از رهگذر ابطال تحقیقات و خروج از عداد ادله

محمد موروئی درگاه^۱

دکتر بهنام یوسفیان شوره‌دلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰

چکیده

در نظام‌های مبتنی بر حاکمیت قانون، تعرض به حریم خصوصی شهروندان، استفاده از شیوه‌های غیرمعارف بازجویی و سایر تخلفات مقام قضائی یا پلیس تحمل نمی‌شود. از نظر نظام دادرسی کیفری ایران، تحقیقات انجام شده توسط افراد غیر ضابط دادگستری، تحقیقات توأم با سلب حق دسترسی به وکیل و اجبار به اقرار و شهادت، در زمره مهم‌ترین مصادیق نقض تکالیف مقام متکفل تحقیقات می‌باشد که در صورت تحقق آنها، حقوقدانان یا بعضاً مقنن قائل به بی‌اعتباری دلایل هستند؛ لیکن در حقوق کنونی، قانونگذار عموماً بر تعقیب کیفری یا انتظامی مقامات متخلف کفایت نموده و متعرض ابطال نتایج و ثمرات تخلف نمی‌شود. با توجه به مزایای متعدد ضمانت اجرای بطلان یا بی‌اعتباری، در مقاله حاضر نشان داده ایم که اگر نظام عدالت کیفری ایران به‌واقع در صدد تحکیم حاکمیت قانون است، می‌بایست موارد امکان ابطال تحقیقات یا ادله تحصیلی از روش‌های غیرقانونی گسترش یافته و آئین رسیدگی به ادعاهای مربوطه شفاف‌سازی شود.

واژگان کلیدی: تحقیقات مقدماتی، حریم خصوصی، اقرار ناشی از اکراه، بطلان دلیل، الزامات قانونی، حقوق دفاعی متهم.

۱. دانشجوی فقه و حقوق جزا، گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، mmd13662680@gmail.com

دامغان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ایران.

۱. مقدمه

رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی افراد که مهم‌ترین مصادیق آن شامل ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود، ممنوعیت اجبار اشخاص به شهادت و اقرار علیه خود و یا دیگران، ممنوعیت و مصون ماندن افراد از شکنجه و سوء رفتار، ممنوعیت بازجویی فنی و القای پاسخ به متهم، پیش‌بینی حق سکوت برای متهم، حق داشتن وکیل در تمام مراحل دادرسی، ضرورت اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم جهت دفع اتهام از خود (پذیرش دلیل)، سنگ بنای تضمین دادرسی عادلانه می‌باشد. آئین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، که بیش از گذشته تحت تأثیر شریعت مقدس اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر در مسیر تبدیل از نظام تفتیشی به نظام اتهامی، به سمت تحقق شرایط لازم جهت دادرسی عادلانه و حفظ و رعایت حقوق شهروندی متمایل گشته است، با هدف تحقق رعایت کرامت انسانی و تضمین حقوق و آزادی‌ها اساسی افراد، به صورت ویژه، الزامات و تکالیف مشخصی را برای مقامات متکفل تحصیل دلیل در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی و ضمانت اجرایی را نیز به سبب عدول از هرکدام یک از این تکالیف، مقرر نموده است. با وجود پیش‌بینی تعقیب انتظامی و بعضاً کیفری اشخاص یا مقامات متخلف و جبران خسارت و ترمیم زیان‌های وارده، مصادیق ضمانت اجرای اعلام بطلان تحقیقات یا ادله تحصیل شده بسیار محدود و استثنایی می‌باشد. (مؤذن زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۴۴)

هرچند در آیین دادرسی کیفری ایران، در خصوص بطلان ادله تحصیلی یا بطلان تحقیقات و فرایند دادرسی، مقررات واضح و روشنی وجود ندارد، لیکن عدم رعایت برخی از قواعد و مقررات دادرسی می‌تواند از جهات درخواست تجدیدنظر از آرای مراجع کیفری قرار گیرد و رویه قضایی ایران نیز در پاره‌ای از آرای خود، عدم رعایت این تشریفات را نه به‌عنوان ابطال فرایند تحقیق و دادرسی، بلکه به‌عنوان دلیلی برای نقض و رسیدگی مجدد به آرای دادگاه‌های کیفری دانسته است. (تدین، ۱۳۸۷: ۸۳)

افزون بر استثنایی بودن تحقق ضمانت اجرای ابطال، مانع بزرگ دیگری در این مسیر وجود دارد. سکوت قانونگذار در رابطه با آئین رسیدگی به ادعای تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و مشخص نبودن سازوکارهای شکلی و ماهوی بررسی ادعای بزه‌دیده در اسرع وقت، با وجود تعقیب کیفری یا انتظامی مقام متخلف، خود به خود موجب اعتبار بخشی به ادله تحصیل شده از روش‌های غیرقانونی خواهد شد. (حشمتی، ۱۳۹۳: ۷۰)

هرچند حقوقدانان در پژوهش‌های موجود، به مطلوبیت گسترش کاربرد ضمانت اجرای بطلان و استنادناپذیری تحقیقات و ادله غیر قانونی اشاره کرده‌اند، ویژگی پژوهش حاضر، افزون بر تبیین نظری چگونگی تفکیک تخلفات غیر مؤثر در صحت تحقیقات از تخلفات موجب بطلان تحقیقات در یک نظام دادرسی مطلوب و آرمانی، تلاش برای احصای مزایای مترتب بر ضمانت اجرای بطلان در مقایسه

با سایر انواع ضمانت اجرا اعم از پیگرد جزایی یا انتظامی و جبران خسارت و مرتبط ساختن این موضوع با فرهنگ قانونمندی و قانون‌گرایی در نظام عدالت کیفری و تثبیت حاکمیت قانون در کشور است. در این راستا به‌ویژه با لحاظ اثر روانی و فرهنگی ضمانت اجرای بطلان در ذهن مقامات مجری قانون، برتری و رجحان ضمانت اجرای بطلان و بی اعتباری بر سایر تدابیر سرکوبنده و پیشگیرنده در این حوزه هر چه روشن‌تر خواهد شد. اما پیش از آن، لازم است الزامات قانونی در مقام تحصیل دلیل و انجام تحقیقات دسته‌بندی و ویژگی‌های هر کدام از انواع ضمانت اجرا برای تضمین رعایت این الزامات بررسی شود.

۲. دسته‌بندی الزامات قانونی در فرایند تحقیقات مقدماتی و شیوه‌های تحصیل دلیل

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به نحو چشمگیری، رعایت حقوق متهمین شامل حق بهره‌مندی از وکیل در تمام مراحل دادرسی، افزایش اختیارات قانونی و استقلال بازپرس و... را مورد نظر قرار داده بود لیکن در اصلاحات سال ۹۴، پاره‌ای از این مقررات دستخوش تغییر گردید. با این حال، مهم‌ترین الزامات در فرایند تحقیقات مقدماتی و شیوه‌های تحصیل دلیل، متوجه رعایت کرامت انسانی، حقوق و آزادی‌های اساسی، حفظ شأن دستگاه قضایی و ضرورت پیشگیری عادلانه از جرم و الزامات مربوط به حسن جریان رسیدگی می‌باشد که عدم رعایت هر کدام از این تکالیف و الزامات، نتیجه‌ای جز تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی افراد به همراه نداشته و اعتبار ادله تحصیل شده را خدشه دار می‌نماید. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

۲.۱. الزامات مربوط به کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های اساسی از جمله حریم خصوصی

اشخاص

مجموعه حقوق، امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه برای متهم متصور و مفروض می‌باشد تا بتواند در شرایطی آزاد و انسانی در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض برائت علیه او مطرح شده، از خود دفاع نماید جزء کرامت ذاتی انسان‌هاست. مهم‌ترین و ارزشمندترین قلمرو بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های اساسی، حریم خصوصی افراد است که به شدت مورد تحفظ انسان‌ها قرار دارد و هیچ قدرت یا قانونی نمی‌تواند آن را از متهم سلب کرده یا محدود نماید. (عسکری، ۱۳۹۴: ۶۳)

از سوی دیگر حقوق و آزادی‌های فردی می‌توانند در تعارض با حقوق و آزادی‌های سایرین، مصالح جامعه و یا نظم عمومی قرار گیرند. لذا در عین حال که دولت‌ها به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی متعهدند، همواره در وضع قوانین مربوطه علاوه بر تضمین این حقوق، نظم عمومی و منافع عامه و در کل مصلحت جامعه را نیز در نظر داشته و مورد جواز تحدید این حقوق و آزادی‌ها را نیز پیش‌بینی می‌نماید.

مذاقه در ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در رابطه با نقض حریم خصوصی (مواد ۵۸۲ و ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی) حاکی از آن است که قانون‌گذار ایران، نسبت به ادله‌ای که با نقض مقررات مربوط رعایت حریم خصوصی جمع‌آوری می‌گردد، صرفاً به تعیین ضمانت اجرای کیفری برای مأموران متخلف اکتفا کرده است و مسأله اعتبار یا عدم اعتبار دلایل حاصل از این راه، مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. (کوشکی، ۱۳۸۶: ۱۴۹) این موضوع اولاً برای تضمین اجرای قواعد دادرسی کیفری کافی نبوده و ثانیاً برای مقامات قضایی و ضابطین دادگستری، بازدارندگی لازم جهت خودداری از ارتکاب تخلف را ایجاد نمی‌نماید.

۲.۲. الزامات مربوط به شأن دستگاه قضایی و ضرورت پیشگیری عادلانه از جرم

شأن و منزلت دادگستری به‌عنوان سمبل اجرای عدالت در کشورها ایجاب می‌نماید تا مجریان عدالت کیفری اعم از پلیس و دادرسان اولاً از تحریک و برانگیختن افراد به ارتکاب جرم خودداری نمایند و ثانیاً از به‌کار بردن فریب و خدعه در مقام تحصیل دلیل اجتناب ورزند. تحریک به ارتکاب جرم معمولاً به دو صورت اتفاق می‌افتد. در حالت اول، شخص بر اثر تشویق و ترغیب، در دام مقامات عمومی می‌افتد. این مسأله به خصوص در جرایم مواد مخدر و با انجام معاملات صوری محقق می‌گردد. حالت دوم، توسل به مأموران نفوذی و مخفی است. در حقوق کیفری ایران هر دو فرض مذکور به‌ویژه حالت اول که از آن به «پنهان کاری موضوعی» نیز تعبیر شده است (عباس‌تدین، ۱۳۸۸: ۱۹۲)، در جرایم مختلفی از قبیل قاچاق مواد مخدر، رشا و ارتشاء، اخاذی، خرید اموال مسروقه پذیرفته شده است و منع قانونی در این زمینه وجود ندارد. به‌طور کلی می‌توان گفت که رویه قضایی ایران در برخی جرایم خاص، دام‌گستری و انجام معاملات صوری را پذیرفته است. در عین حال حمایت از حقوق فردی و ضرورت انسداد باب سوء استفاده از سوی مأمورین در این خصوص ایجاب می‌نماید، که قانونگذار با صراحت، جرایم مهمی که در آن می‌توان به دام‌گستری پرداخت را از پیش معین نماید. (حیدری و فتحی، ۱۳۹۳: ۲۴)

۳.۲. الزامات مربوط به حُسن جریان رسیدگی و تحقیقات

شکل‌گیری فرایند دادرسی کیفری بر پایه اصولی خواهد بود که نه تنها استمرار و جریان قانونمند این فرایند را به دنبال خواهد داشت، بلکه صحت و اعتبار تحقیقات و ادله جمع‌آوری شده در این فرایند را تضمین می‌نماید. شناسایی و تعیین ضمانت اجرای مختلف و تضمین‌گر حُسن جریان این اصول به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی واجد اهمیت است چرا که اصول حقوقی بر مبانی حقوق تکیه زده و نماینده ارزش‌های نظام حقوقی هستند؛ مفاهیمی کلی که از



تضمین اجتماعی نیرومندی بهره می‌برند و قانونگذار و دادرس را به رعایت آنها و می‌دارند. (صادقی، ۱۳۸۴: ۶۷)

الزامات مربوط به حُسن جریان رسیدگی و تحقیقات شامل لزوم اطلاع رسانی به متهم و خانواده وی، لزوم معقول بودن مهلت بازداشت، مطالعه پرونده کیفری و تفکیک مقام تعقیب از تحقیق، تکلیف بازپرس مبنی بر تفهیم حق داشتن وکیل به متهم، حق اعتراض به جریان رسیدگی، محدودیت تحت نظر قراردادن متهم از سوی ضابطان، حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت و... هرچند در تحصیل ادله و اقدام تحقیقی، نقش اساسی و انحصاری نداشته و به تنهایی موجب استناد ناپذیری ادله تحصیلی نمی‌گردند (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۳۱)، لیکن نقض هریک از این تکالیف، اماره و قرینه مناسبی برای اثبات ادعای افراد مبنی بر تضييع حقوق اساسی‌تر از جمله اجبار و اکراه به اقرار خواهد بود و بار اثبات ادعای نقض حقوق و آزادی‌های اساسی را از دوش متهم برخواهد داشت.

۳. جایگاه ابطال دلیل یا اقدام تحقیقی صورت گرفته در میان ضمانت‌های اجرایی مقرر برای الزامات قانونی

در حال حاضر در حقوق ایران عموماً و به‌صورت مشخص، ضمانت‌های اجرایی در راستای مجازات مقام متکفل تحقیق که مبادرت به اقدامات غیرقانونی در راستای تحصیل دلیل نموده پیش‌بینی شده است که شامل تعقیب انتظامی و انضباطی اشخاص و مقامات متخلف، جرم‌انگاری و تعقیب کیفری متخلفین و جبران خسارت و ترمیم زیان‌های وارده می‌باشد. (زراعت، ۱۳۹۰: ۱۳۱) مذاقه در نتایج و تبعات اجرای این ضمانت‌های اجرایی و مقایسه آنها با نتایج حاصله از ضمانت‌های اجرایی ابطال تحقیقات مقدماتی و ادله تحصیل شده، متضمن در نظر گرفتن جایگاهی ممتاز و نزدیک به عدالت کیفری برای ابطال تحقیقات مقدماتی و ادله تحصیلی ناشی از نقض الزامات و تکالیف قانونی خواهد بود.

۳.۱. تعقیب انتظامی و بعضاً کیفری اشخاص یا مقامات متخلف و کاستی‌های این نوع از ضمانت اجرا

با وجود در نظر گرفتن درجات مختلف مجازات انتظامی برای قضات و ضابطین، که بعضاً به نسبت جرایم ارتكابی سایر افراد جامعه، از شدت بیشتری نیز برخوردار می‌باشد؛ کاربست این ضمانت اجرا در نتیجه عدم رعایت الزامات قانونی، صرفاً متوجه شخص متخلف بوده و تأثیری در حقوق بزه‌دیده ندارد. حتی اگر فرد متخلف را به‌صورت دائم از خدمت منفصل نموده و یا اینکه مجازاتی برای او در

نظر گرفته شود، ادله تحصیل شده و نتایج تحقیقات مقدماتی در رابطه با فرد بزه‌دیده یا متضرر از تخلف انتظامی و انضباطی مقام متکفل تحقیق؛ ممکن است همچنان مورد استناد بوده و آثار آن از بین نمی‌رود. (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۵۱) همچنین با وجود پیش‌بینی تعقیب انتظامی و کیفری قضات و ضابطین در قوانین و مقررات، دسترسی به تعقیب کیفری مقامات متکفل تحقیق، تا حدود زیادی غیرقابل تحقق می‌باشد. وجود محدودیت‌های متعدد برای جرم انگاری به‌ویژه مفروض بودن اصل کمینه کیفری حقوق ایران، اصل ارزش کیفری، اصل نیاز به جرم انگاری، اصل اعتدال و میانه روی در جرم انگاری و ...، رسیدگی به جرایم قضات و مقامات متکفل تحقیق و تعیین مجازات، را با موانعی روبه‌رو خواهد ساخت. (نوبهار، ۱۳۹۰: ۹۵) برای هر تخلفی از سوی مقام متکفل تحقیق نمی‌توان عنوان مجرمانه بار نمود و این امر مستلزم آن است که تخلف الزاماً می‌بایست مهم و عمده باشد. از دیگر سو، تعقیب کیفری منوط و موکول به شناسایی مسئولیت کیفری و محکومیت کیفری شخص مجرم می‌باشد و اگر شخص متخلف، مشمول موارد موقوفی تعقیب نظیر فوت و ... باشد، از ضمانت اجرای تعقیب کیفری نمیتوان استفاده نمود. با این وصف، کاربری محدودیت‌های جرم انگاری سبب می‌گردد که در بسیاری از تخلفات که در نتیجه آن، حقوق بزه‌دیده مورد تعرض قرار گرفته و نقض شده باشد، نمی‌توان مجازاتی برای فرد متخلف در نظر گرفت. علاوه بر این، در فرض اجرای تعقیب کیفری مقامات متکفل تحقیق در موارد نادر؛ همانند تعقیب انتظامی و انضباطی، نتیجه این ضمانت اجرا نیز، تأثیری در حقوق بزه‌دیده ندارد و ادله تحصیل شده همچنان مستند محکومیت او قرار خواهد گرفت.

۲.۳. جبران خسارت و ترمیم زیان‌های وارده بر اثر شیوه‌های غیرقانونی تحصیل دلیل یا

تحقیقات غیرقانونی

مقامات مسئول تحصیل ادله به ویژه ضابطان دادگستری برای اجرای مهم‌ترین وظیفه خود که حفظ نظم و امنیت است، در صورتی که موجب خساراتی به دیگران اعم از متهم، مجرم، یا اشخاص دیگر شوند، با تحقق شرایطی عهده‌دار مسئولیت مدنی خواهند بود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۱۵) به دلیل تعدد و تنوع ماموریت‌های پلیسی، مسئولیت مدنی در اینجا به نسبت سایر مشاغل، از تنوع بیشتری برخوردار است. گاهی حادثه زیانبار ناشی از فعل توأم با تقصیر آنها از قبیل تیراندازی، شکنجه، اجرای احکام مدنی بدون دقت، تعقیب و گریز غیرمجاز، بازداشت غیرمجاز اشخاص و متوقف نمودن وسایل نقلیه در محل غیرمجاز توسط پلیس راهنمایی و رانندگی واقع می‌شود، که در این قبیل موارد، در مسئولیت مدنی آنها تردیدی نیست. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۶۵) در صورتی که حادثه زیانبار ناشی از فعل بدون تقصیر آنها باشد که بلاواسطه منجر به حادثه زیانبار



گردد، مسئولیت جبران خسارت زیان‌دیده بر عهده سازمان مربوط خواهد بود. (کاتوزیان و غمامی، ۱۳۷۶: ۱۱۴) چنانچه فعل آنها با وصف فوق به صورت غیر مستقیم در حادثه زیانبار دخالت داشته باشد، به دلیل اینکه مبنای مسئولیت در این مورد قاعده تسبیب است و شرط لازم برای تحقق مسئولیت بر اساس این قاعده تقصیر است، بنابراین، فاقد مسئولیت خواهند بود. (عباسلو، ۱۳۸۹ الف: ۹۰). علاوه بر این، موارد معافیت از مسئولیت مدنی تحت عناوین قاعده تحذیر، اضطرار، پذیرش خطر توسط زیان‌دیده، اعمال حاکمیت، اجرای دستورات قضایی اشتباه یا نادرست و دفاع مشروع و ... در قانون پیش‌بینی شده که رافع مسئولیت خواهد بود. (عباسلو، ۱۳۸۹ ب: ۸۸) با این وصف، در صورت ایراد خسارت به فرد زیان دیده به دلیل عدم رعایت الزامات و تکالیف مقامات متکفل تحقیقات مقدماتی، دعوای جبران خسارت به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای قابل دسترسی، مدنظر می‌باشد.

با این وجود، در صورت تحقق این ضمانت‌اجرا، علیرغم دلجویی از فرد بزه‌دیده و جبران خسارت‌های وارده به وی، ابهاماتی در ارتباط با تأثیر کاربست آن وجود دارد. یکی از ایرادات وارده به این ضمانت‌اجرا و کارایی آن، این است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، اشخاص متخلف به‌عنوان تنها جبران‌کننده خسارت‌های ناشی از عدم رعایت الزامات و تکالیف قانونی محسوب نمی‌شود و در برخی موارد به دلایل مختلف، دولت، سازمان یا نهاد متبوع فرد متخلف، ضامن جبران خسارت می‌باشد که در عمل، برای متخلف هیچ گونه جنبه تنبیهی و بازدارندگی عدم تکرار تخلف لحاظ نخواهد شد. (رحیمی‌نژاد، صادقی، ۱۳۹۷: ۲) دومین ایراد وارده به این ضمانت‌اجرا، نامشخص بودن تکلیف ادله و مدارک تحصیل شده ناشی از نقض تکالیف و مقررات قانونی است. باوجود پیش‌بینی مسئولیت و ضمانت‌جبران خسارت برای ضابطین و هر یک از مقامات متکفل تحقیق اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق ایران، ادله تحصیل شده همچنان معتبر بوده و مورد استناد قرار خواهد گرفت. بنابراین معتبر بودن ادله، انگیزه‌ای برای فرد متخلف ایجاد می‌نماید تا در دفعات بعدی نیز، با نقض قانون به تحصیل ادله بپردازد و صرفاً خسارتی به بزه‌دیده، پرداخت نماید. علاوه بر آن، اثر ضمانت‌اجرای جبران خسارت نیز به نفع بزه‌دیده از بین خواهد رفت چرا که ادله تحصیلی در نهایت موجب محکومیت او خواهد شد. لذا باوجود تأثیر نسبتاً مطلوب این ضمانت‌اجرا در جبران خسارت‌های مادی به بزه‌دیده، تنها در صورت استفاده از ضمانت‌اجرای تکمیلی با هدف استناد ناپذیری ادله و بازدارندگی مقامات متکفل تحقیق از تکرار تخلف در امر تحصیل دلیل، حاکمیت قانون تحکیم خواهد شد.



۳.۳. اعلام بطلان تحقیقات یا ادله تحصیل شده و مزایای مترتب بر آن در مقایسه با سایر ضمانت اجراها

در مقام مقایسه مابین ضمانت اجرای بطلان تحقیقات و ادله تحصیل شده در اثر عدم رعایت الزامات قانونی با سایر ضمانت اجراهای اشاره شده، باید گفت که این ضمانت اجرا اولاً موجب بی اعتباری ادله تحصیل شده از روش های غیرقانونی و بی حاصل بودن اقدامات مقام متکفل تحقیق از اتخاذ شیوه های غیرقانونی گردیده و ثانیاً در راستای پیشگیری از بروز تخلفات مشابه، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

مهم ترین وجوه افتراق و برتری ضمانت اجرای ابطال تحقیقات و بی اعتباری ادله به شرح ذیل می باشد:

۳.۳.۱. افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی

عملکرد دستگاه عدالت کیفری، در صورت اشتباهات مکرر، نه تنها اعتماد عمومی به آن مجموعه را به همراه نخواهد داشت بلکه به تدریج، جامعه را به آشوب می کشاند. لذا اشتباهات زیاد دستگاه قضایی، اثر مستقیم بر قضاوت مردم نسبت به عملکرد آن دارد. از طرف دیگر اگر شهروندان جامعه در تصمیمات دستگاه عدالت کیفری، اتقان و دقت نظر را احساس نمایند، اعتمادشان نسبت به دستگاه قضایی بیشتر خواهد شد. اگر بناست مجازات به اهدافش برسد و مطلوبیت عملکرد دستگاه قضایی در نزد شهروندان افزایش یابد، می بایست از تفکر صرف مجازات بدون توجه به قضاوت افکار عمومی عبور و از اتخاذ شیوه های غیرقانونی و متضمن تحدید حقوق و آزادی های اساسی افراد برای مجازات مجرمین پرهیز شود. اگر هر تحقیقات و ادله ای که تحصیل آن با تخلف جدی روبرو باشد را اگر کنار بگذاریم مردم معتقد می شوند که دستگاه قضایی، بی دلیل کسی را محکوم نمی نماید.

۳.۳.۲. افزایش اهمیت الزامات قانونی از نظر مراجع قضائی و اصحاب دعوی

ناتوانی نظام تحقیقات جنایی در زمینه کشف علمی جرایم و نبود زیرساخت های اطلاعاتی و فنی لازم برای دستیابی به اطلاعات مربوطه به کشف حقیقت، کارکنان نظام عدالت کیفری را به سوی استفاده از روش های مغایر قانون برای به نتیجه رسانیدن پرونده های کیفری سوق می دهد. (فرجیها، مقدسی، ۱۳۸۷: ۱۳۵) براساس این واقعیت عینی، اتهام محوری و اقرار محوری حاکم بر نهادهای انتظامی و تعقیب کیفری، مانع از آن است که مراجع نظارتی و کنترلی بتوانند نقش مؤثری را جهت جلوگیری از بروز رفتارهای غیرقانونی علیه متهمان ایفا کنند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۱۵۵)

سکوت مراجع قضایی نسبت به عملکرد مغایر قانون مأموران پلیس در جمع‌آوری ادله و ارجاع مکرر پرونده‌های کیفری از سوی دادسرا به کلانتری‌ها و ادارات آگاهی به دلیل ناکافی بودن دلایل از یکسو و اقرار محوری و تمرکز بیش از اندازه بر اخذ اقرار از متهم برای صدور احکام قضایی از سوی دیگر، فشار مضاعفی را به واحدهای انتظامی جهت اخذ اقرار به هر شیوه ممکن وارد می‌نماید (مؤذن زادگان، ۱۳۸۹: ۳۲۴)

از دیدگاه گفتمان پلیسی و قضایی حاکم در ایران، به استناد توجیه عدم فرصت مکفی جهت رعایت تشریفات دادرسی عادلانه؛ فرایند کشف جرم و اثبات دلایل اتهامی مختل می‌گردد این در حالی است که فعالسازی ضمانت اجرای ابطال ادله تحصیلی از اقدامات غیرقانونی، علاوه بر اعمال فشار به پلیس جهت الزام به استفاده از روش‌های علمی و فنی کشف جرم و پرهیز از شیوه‌های سنتی و اقرار محوری، زمینه‌ساز استفاده از بسترهای جدید کشف جرم به‌ویژه از طریق آموزش، امکانات نرم افزاری، مهارت‌آموزی استنباط و استدلال در تحصیل دلیل توسط ضابطان دادگستری خواهد شد. علاوه بر این، پیش‌بینی ضمانت اجرای بطلان ادله و اقدام تحقیقی غیرقانونی، ضمن ارتقاء جایگاه و اهمیت کسب و تحصیل دلیل از طرق قانونی در نظر اصحاب دعوی و نیروهای پلیس؛ موجب شکل‌گیری این نگرش در نیروهای پلیس خواهد شد که در صورت ارتکاب اقدامات خلاف قانون جهت تحصیل دلیل، کار آنها فاقد ارزش قلمداد خواهد شد.

۳.۳.۳. ایجاد انگیزه مضاعف برای طرح شکایت و پیگیری تخلفات

قاعده معتبر نشناختن ادله جمع‌آوری شده بدون رعایت تشریفات و موازین قانونی، به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای کنترل اقدامات و تصمیمات پلیس در اسناد بین‌المللی و نظام‌های کیفری توسعه یافته مورد تأکید قرار گرفته است. (زراعت، ۱۳۹۰: ۴۴) لذا چنانچه کارگزاران نظام عدالت کیفری، از جمله نیروهای پلیس، در گردآوری ادله ارتکاب جرم، موازین قانونی را رعایت نکرده و حقوق متهم را نقض کنند، قاضی باید دلایل مذکور را حسب مورد از اعداد دلایل خارج کرده و چنانچه دلایل دیگری برای احراز مجرم بودن متهم، از سوی نهادهای مسئول تعقیب ارائه نشود، تحقیقات مقدماتی ابطال شده و در نتیجه حکم بر براءت صادر می‌شود. (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۷: ب: ۱۱۴) این مسأله بیش از پیش موجب می‌شود تا متهمینی که تحت یکی از مواردی که موجبات ابطال تحقیقات را فراهم می‌آورد، انگیزه مضاعف برای طرح شکایت و پیگیری تخلفات پیدا کنند تا در صورت حصول نتیجه حکم بر براءت آنها صادر گردد.



۳.۳.۴. دلسردی مقامات متمایل به تخلف از نقض قوانین و مقررات

حاکمیت ضمانت اجرای بطلان تحقیقات و اقدامات ناشی از تحصیل ادله غیرقانونی از قبیل کسب ادله ناشی از تفتیش و یا توقیف غیرقانونی، شکنجه متهم در اثنای بازجویی، فقد سمت قانونی مأمور در انجام تحقیقات و اقداماتی مانند عدم داشتن کارت ویژه ضابطان قضایی، تأثیر بسیار مهمی در بازدارندگی مأموران پلیس از ارتکاب رفتارهای خلاف قانون در فرایند دادرسی کیفری دارد. (مؤذن زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۴۹) هدف نخستین از اجرای این قاعده، بازداشتن مأموران رسمی مسئول کشف جرم، شناسایی و دستگیری متهمان از انجام بازرسی و تفتیش‌های خودسرانه و بدون رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان است. استناد دادگاه‌ها به قاعده مذکور به این دلیل خواهد بود که روش‌های دیگر برای کنترل سوءاستفاده احتمالی پلیس کافی و مؤثر نیست. (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۷: ج: ۱۱۵)

۴. تأملی در باب برخی موارد بطلان دلیل یا اقدام تحقیقی انجام شده در حقوق ایران

برخی از مصادیق پیش‌بینی شده نسبی در ارتباط با بطلان دلیل یا اقدام تحقیقی انجام شده در حقوق ایران به شرح زیر می‌باشد:

۴.۱. اقرار یا اظهارات بیان شده در حالت مخدوش بودن آزادی اراده

شکنجه و اقرار و اعتراف تحت فشار، مهم‌ترین مصداق خدشه‌دار شدن آزادی اراده متهم محسوب می‌گردد. ممنوعیت شکنجه و سوء رفتار با متهمین در روند دادرسی کیفری، در تمامی اسناد حقوق بشر و مقررات بین‌المللی به شدت منع شده است. (Peters, 1996: 12) اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۵ خود صراحتاً بر منع شکنجه تأکید می‌کند و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) نیز بر این امر صحنه گذارده و ترک آنرا برای دول متعاقد، موجب مسئولیت بین‌المللی می‌داند. علاوه بر آن، دو سند جهانی اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص «حمایت از قربانیان شکنجه» مصوب ۲۴ ژوئن ۱۹۷۵ و «کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده» مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴، مشخصاً از منع شکنجه سخن گفته‌اند. (Holmstrom, 2000: 175). در کنوانسیون ضد شکنجه، کشورهای متعاقد بر اتخاذ تدابیری ملزم شده‌اند که مانع از ظهور این پدیده غیر انسانی گردد. (Evans, 1998: 15) باوجود پیش‌بینی مجازات و تعقیب کیفری برای افراد شکنجه‌گر؛ مهم‌ترین عامل در جلوگیری از تکرار این رفتار ردیالانه، پیش‌بینی ضمانت اجرای بی‌اعتباری و بطلان ادله تحصیلی ناشی از شکنجه و سوء رفتار، می‌باشد که در معاهدات و اسناد بین‌المللی بر آن

تأکید شده است. (Thienel, 2006: 367) براساس ماده ۱۵ کنوانسیون ضد شکنجه، اظهارات حاصل از شکنجه فاقد اعتبار قضایی است و هر یک از کشورهای عضو موظف است تا اظهارات حاصل از شکنجه را در هیچ رسیدگی قانونی به عنوان دلیل مورد استناد قرار ندهند، مگر به عنوان دلیل علیه شخص متهم به ارتکاب شکنجه. لذا وجود مجموعه‌ای از قواعد عمومی و قراردادی در خصوص ممنوعیت شکنجه، نشانگر آن است که جامعه بین‌المللی با آگاهی از اهمیت ممنوعیت این پدیده نفرت‌انگیز، عزم خود را جزم نموده تا هرگونه نشانه حاصل از شکنجه را، چه در سطح اجتماعی و چه در سطح فردی، بلااثر نماید و هیچ مفرّ قانونی باقی نگذارد. (Cassese, 2008: 149-50).

اعلامیه جهانی حقوق بشر که نمایانگر آرمان‌های مشترک بشری است در ماده ۵ خود چنین عنوان می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت با روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت‌آمیز قرار داد». در شرایطی که مقامات متکفل تحقیق، معمولاً برای به دست آوردن مدارکی برای استفاده در مراحل بعدی دادرسی، سعی می‌نمایند به بهانه‌های مختلف از شکنجه استفاده نمایند، براساس مقررات بین‌المللی مربوطه، وجود هرگونه حالت استثنایی و اضطراری، رافع ممنوعیت به کارگیری روش‌های ظالمانه و سوءرفتار با افراد جهت کسب اقرار نخواهد بود و حتی اگر مقامات، در ابتدا در موارد اضطراری (نظیر بمب‌گذاری و حوادث تروریستی) و به ادعای خودشان قانوناً از شکنجه استفاده نمایند، هرگونه مدرکی که بدین ترتیب به دست آمده، در دادگاه قابل قبول نخواهد بود چرا که فقط وجود یک خطر بزرگ می‌تواند باعث ایجاد قدرت اضطراری شود لیکن این قدرت اضطراری از لحظه فروکش شدن خطر، از بین می‌رود. از سوی دیگر، استناد به مدارک حاصل از شکنجه در تمامی فروض، از جمله استفاده از مدارک حاصل از سوء رفتار در دادگاه‌های کشور شکنجه‌گر علیه شخص شکنجه شده یا شخص دیگر، استفاده از مدارک حاصل از شکنجه در دادگاه کشور دیگر به استناد اینکه قوانین بین‌المللی مجموعه‌ای جامع از قوانین را برای مبارزه با شکنجه ارائه می‌دهد، ذیل قاعده آمره «منع مطلق شکنجه»، ممنوع خواهد بود. همچنین این ممنوعیت شامل حالتی نیز خواهد شد که یک کشور عضو کنوانسیون نظیر فرانسه با علم به وقوع شکنجه در یک کشور غیر عضو نظیر سودان، فرد مظنون را به دولت آن کشور تحویل داده و پس از اعمال شکنجه در کشور میزبان، از نتایج حاصله در دادگاه‌های کشور خود استفاده نماید. این ضمانت اجرای مهم، برای ریشه‌کن کردن شکنجه، یک بار و برای همه حالت‌ها طراحی شده است (Thienel, 2006: 351). ماهیت ممنوعیت شکنجه، به عنوان یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل، حاکی از آن است که در صورت نقض ممنوعیت شکنجه توسط یک کشور، سایر کشورها می‌بایست فارغ از امکان تأثیرگذاری اقدام کشور خارجی، از نقض این ممنوعیت، فاصله بگیرند. ضمناً پذیرش



این مسأله، منطقی می‌باشد که قاعده‌ای قدرتمند (ممنوعیت شکنجه)، امکان دخالت دولت‌ها برای ایجاد یک رویه حقوقی معارض با آن قاعده را محدود می‌سازد و این اثرات ممتاز قاعده آمره می‌باشد. (Thienel, 2006: 363). با این وصف؛ باید متذکر شد که اصل ممنوعیت شکنجه، امروزه در حقوق بین‌الملل نه تنها مطابق هنجارهای عادی مثل معاهدات و عرف بین‌المللی تثبیت یافته، بلکه به دلیل اهمیت و شأنی که در حراست و حمایت از حیثیت انسانی دارد و نقض آن موجب برهم خوردن نظم بین‌المللی می‌شود، به مرتبه «قاعده آمره حقوق بین‌الملل» ارتقاء یافته و به رسمیت شناخته شده است. لذا تعهد دولت‌ها، در رعایت چنین قاعده‌ای، تعهدی آمره بوده و هر دولتی در مراعات آن، نفعی حقوقی داشته و نقض آن از سوی هر دولتی، موجب مسئولیت آن در قبال کل جامعه بین‌المللی می‌شود. (نیک نفس، ۱۳۸۴: ۱۹۲)

جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از دولت‌های عضو سازمان ملل، پیش از بهره‌گیری از مفاد اسناد فوق، ملهم از تعالیم بلند اسلام، شکنجه را رفتاری غیرانسانی تلقی کرده و در متن قانون اساسی بر آن تاکید نموده است. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران بیان می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». قانون اساسی ایران به‌عنوان قانون مادر و به صورت امری این تکلیف را بر دوش قانون‌گذاران عادی قرار داده است تا ضمانت اجرای کیفری، یعنی شدیدترین ضمانت اجراها، را برای شکنجه‌گران تعیین کند.

از توجه به این موارد ملاحظه می‌شود که اصل ۳۸ قانون اساسی، به‌کار بردن اصطلاح «هرگونه» برای شکنجه نشانگر جامعیت کامل آن می‌باشد. این اصل ضمن اعلام ممنوعیت مطلق، نه تنها مرتکب را قابل سرزنش کیفری می‌داند بلکه چنین اقراری را فاقد اثر و اعتبار قضایی دانسته است. از اطلاق این اصل، قابل استنباط است که اصولاً هیچ عذری اعم از مسائل امنیتی، وضعیت جنگی، وضعیت فوق‌العاده و غیره نمی‌تواند توجیه‌کننده شکنجه باشد. (اردبیلی، ۱۳۷۰: ۱۸۵). از این رو، مفاد اصل ۳۸ قانون اساسی، کاملاً منطبق با اسناد و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد. (آشوری، ۱۳۷۸: ۵۳). در نظام دادرسی ایران، با وجود صراحت و شفافیت کافی اصل ۳۸ قانون اساسی در ممنوعیت شکنجه به معنای مطلق کلمه با هر هدف و نیتی جهت اخذ اقرار، کسب اطلاع، شهادت یا سوگند و پیش‌بینی ضمانت اجراهای لازم؛ ظاهراً مانعی برای مجازات متخلفین از این اصل و بی‌اعتباری اقرار اخذ شده از طریق شکنجه به صورت توأمان وجود ندارد لیکن به دلیل ابهامات موجود در بازوی اجرایی قانون اساسی در امور کیفری (قانون مجازات اسلامی) در رابطه با مصادیق شکنجه (رفتاری، جسمی، روانی و...) و با فرض عدم عضویت ایران در کنوانسیون

ضدشکنجه، ممکن است در ارتباط با حمایت از این حق ذاتی متهمین در برخی از مصادیق، اختلال پدید آمده و مفر قانونی برای متجاوزین به این حق، ایجاد گردد. (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

همچنین، هرچند در اصل ۳۸ قانون اساسی ایران، ممنوعیت مطلق و بدون استثنای شکنجه شامل انواع شکنجه اعم از جسمی و روحی و مستقیم و غیرمستقیم مدنظر بوده لیکن در قوانین عادی (موضوع ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی) به عنوان بازوی اجرای ضمانت های پیش بینی شده در قانون اساسی، اولاً دامنه شمول شکنجه به موارد جسمی محدود می گردد، ثانیاً فرد مورد شکنجه، الزاماً می بایست متهم باشد. ثالثاً این ماده صرفاً شکنجه بدنی برای اخذ «اقرار» را جرم انگاری نموده در حالی که اصل ۳۸ قانون اساسی، مطلق عنوان شکنجه برای «کسب اطلاع» و «شهادت» و «سوگند» را نیز ممنوع اعلام نموده است. (پوربافرانی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۴۱) بدیهی است که امروزه، ممکن است، اعمال شکنجه روحی، ابزاری مؤثرتر برای کسب اقرار و اعتراف از متهم محسوب گردد. به عنوان نمونه، ایجاد شرایط نامساعد و غیرقابل تحمل نظیر هتک حرمت و حیثیت، اعمال فشار بر متهم از طریق تطمیع وی به تنزل قرار بازداشت به وثیقه در صورت اقرار، جلوگیری از دسترسی متهم به حقوق پیش بینی شده در بازداشت نظیر تماس تلفنی با خانواده و ملاقات با وکیل، بی خوابی دادن، سرپا نگه داشتن بیش از حد، حبس انفرادی طولانی مدت و... از مصادیق شکنجه و سوء رفتار روحی و روانی محسوب می گردد که براساس مقررات موجود، موجب عقوبت مقام متخلف و بی اعتباری ادله تحصیلی نخواهد شد. (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۳۱)

اما به عقیده برخی حقوقدانان با وجود کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران به آن ملحق شده است و مقررات موجود در زمینه منع شکنجه، نیازی به این طرح احساس نمی شود. از نظر آنها مشکل فقدان قانون نیست، بلکه اجرای همین قوانین موجود است و تا زمانی که تفکر استفاده از شکنجه برای کامل کردن پرونده ها وجود داشته باشد، شیوه های شکنجه را نمی توان محدود کرد. (آشوری، ۱۳۷۸: ۵۳). در مجموع، مقررات فعلی در قانون مجازات اسلامی، فاقد جامعیت لازم است و با آرمان های اصل ۳۸ قانون اساسی و مقررات کنوانسیون ضدشکنجه منطبق نمی باشد. از مطالعه در موارد مذکور این نتیجه حاصل می گردد که مقنن در پی مجازات مأمورین شکنجه گر بوده و در مواردی نقض شدید حقوق متهم اقرار یا شهادت یا سوگندی که از این طریق حاصل گردیده را به دلیل صدمه اساسی به اراده آزاد متهم، محکوم به بطلان دانسته است. (حشمتی، ۱۳۹۳: ۷۱) با این حال آیا در صورتی که ادله تحصیل شده به روش غیرقانونی و با نقض شدید حقوق متهم (شکنجه)، بدست آمده باشد، می توان آن ادله را معتبر دانست؟ در پاسخ به این مسأله باید گفت که براساس ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی، اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم

تحقیق مجدد نماید. اگر این ماده را بتوان به‌عنوان ضمانت اجرایی منع شکنجه برای اخذ اقرار محسوب نمود؛ در نتیجه میتوان گفت که اقرار بر مبنای شکنجه هیچگونه اثر حقوقی و قضایی نداشته و قابل رد به‌وسیله متهم می‌باشد؛ حتی شکنجه‌گر نیز مجرم تلقی و به مجازات قانونی محکوم می‌گردد. (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۵۷۸) با این وجود در نظام‌هایی که سیستم «اقناع وجدان قاضی» حاکم است، دلایل همگی طریقت دارند و هر دلیلی ارزش برابر با سایر ادله را می‌تواند داشته باشد و اقرار به عنوان ملکه دلایل قلمداد نمی‌شود تا اینکه با خدشه وارد آمدن به آن، دلایل دیگر از عداد خارج شوند. در ایران دیوان عالی کشور در آرای خود به طریقت دلایل تصریح نموده است؛ پس در صورت وارد آوردن شکنجه برای اخذ اقرار، فقط به اقرار ترتیب اثر داده نمی‌شود و دلایل دیگر اعتبار خود را دارند و میتوان مورد استناد قرار گیرند (حشمتی، ۱۳۹۳ همان: ۷۲)

۲.۴. تحقیقات انجام شده با سلب حق دسترسی به وکیل

حق دفاع و دسترسی به وکیل مدافع برای متهم و اعمال این حق از سوی وکیل تعیینی یا وکیل تسخیری وی و ایجاد امکان دفاع در چهارچوب موازین حقوقی و قانونی؛ زمینه‌ساز تحقق عدالت کیفری، دادرسی عادلانه و تضمین حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری خواهد بود و لذا تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی در حدود پنج دهه اخیر، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری را در شمار جلوه‌های حقوق شهروندی و حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه جای داده‌اند. (pradel,2001:1115) ضمانت اجرای نقض این حق از سوی کشورها، صدور قطعنامه از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و در درجه بالاتر تحریم‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. این عامل ضمن مخدوش نمودن چهره‌ی بین‌المللی کشور خاطی نزد اذهان مجامع بین‌المللی، منجر به طرد جهانی آن کشور خواهد شد. (ضیایی فر، ۱۳۸۶: ۴۳۰) بر همین مبنای، قانون اساسی در اصول مختلفی از جمله اصل ۳۵، ضمن اشاره به حقوق شهروندی و اساسی مردم، «حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل» را به رسمیت شناخته و دادگاه‌ها را صرف‌نظر از نوع، فرایند و مراحل مختلف دادرسی حقوقی و کیفری (تعقیب و تحقیق و دادرسی کیفری) مکلف به پذیرش وکیل نموده و بر حق معاضدت قضایی و حقوقی نسبت به افراد فاقد توانایی انتخاب وکیل و لزوم فراهم آوردن امکانات آن نیز تاکید کرده است. (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۶۵)

قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ نیز ضمن حذف بسیاری از محدودیت‌ها و موانع مقرر در خصوص حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری به ترتیب مقرر در قانون سابق، اصل را بر حق انتخاب وکیل از سوی متهم، لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به‌عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان

دادگستری و مسئولیت قانونی و انتظامی مترتب بر عدم رعایت آن، قرار داده است. (کوشکی، ۱۳۹۲: ۲۶) در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ مجلس و مورد تأیید شورای نگهبان، سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب بی اعتباری تحقیقات می‌شد؛ اما در اصلاحیه سال ۹۴، این تخلف موجب مجازات انتظامی درجه چهار برای قاضی است. این در حالی است که رأی وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۱، مبنی بر مسئولیت قانونی مترتب بر سلب حق برخورداری از وکیل از سوی محکمه و بی اعتباری رأی صادره از سوی دادگاه می‌باشد. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۵)

با این وصف کاربست ضمانت اجرای استنادناپذیری ادله تحصیل شده در صورت نقض رعایت حقوق مصرح متهم در دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، با چالش‌های جدی مواجه می‌باشد. این در حالی است که مفهوم تفسیر مضیق قانون به نفع متهم می‌بایست فراتر از وضع فعلی باشد زیرا اهداف مطلوب قانونگذار از این رهگذر، به مراتب قابل دسترس‌تر خواهد بود. (اختری و دارابی، ۱۳۹۶: ۶۳) اصل نظارت و حضور وکیل در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی از جمله راهکارهای قانونی است که ضمن تقویت وصف دادرسی منصفانه، جلب اعتماد عمومی را به سیستم عدالت کیفری ارتقاء می‌بخشد لیکن گویا قانونگذار هنوز حضور وکیل در جریان تحقیقات را واجد اهمیت زیادی نمی‌داند. (زمانی درمزاری، ۱۳۹۷) ضمن اینکه مجازات سبک درجه ۸ برای قاضی نمی‌تواند در همه حالات حق حضور وکیل در تحقیقات را تضمین نماید.

۳.۴. اقرار یا اظهارات شخص بازداشت شده در صورت اثبات غیر قانونی یا خودسرانه بودن بازداشت

دستگیری و حبس مجرم یکی از معیارهای تحقق عدالت به حساب می‌آید. اما گاهی نیز توقیف و حبس جنبه غیرقانونی پیدا می‌کنند. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت دارد که قانونگذار ایران (اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری،

۱. «نظر بر اینکه در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حق استفاده از وکیل اهمیت خاصی منظور گردیده و از طرفی با توجه به ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنایی و مستنبط از مقررات تبصره ۲ ماده ۷ و ماده ۱۲ لایحه قانونی، تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن با لحاظ بخشنامه مورخ ۶۱/۷/۱۷ شورای نگهبان دارای اعتبار قانونی است مداخله وکیل تسخیری «در صورتی که متهم شخصاً وکیل تعیین نکرده باشد» در محاکم کیفری و در موردی که مجازات اصلی آن جرم اعدام یا حبس دائم باشد ضروری است بنابراین رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که در خصوص مورد براساس این نظر صادر شده قانونی و موجه تشخیص می‌گردد. این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»



بندهای ۱، ۵ و ۶۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی) آن را یکی از جرایم علیه اشخاص دانسته و برای جلوگیری از وقوع آن مجازات‌هایی را در نظر گرفته است. (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۵۵۴). با وجود اینکه ممنوعیت بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در قوانین اساسی و عادی ایران از لحاظ حقوقی به رسمیت شناخته شده و برای متخلفین از این مقررات، مجازات تعیین گردیده و ضمانت اجراهای مشخصی برای جبران خسارت بزه‌دیده پیش‌بینی شده است لیکن در ارتباط با استنادپذیری یا بی‌تأثیر بودن اقرار و اظهارات احتمالی منطبق با واقعیت و کاشف از جرم شخص بازداشت شده در مدت بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه، با اجمال قانونگذار مواجه هستیم. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۸: ۱۷۶) یکی از شروط مهم تحقق اهلیت برای مقرر، اختیار و اراده است و اقرار کننده باید دارای اختیار باشد و بدون هیچگونه اکراهی اقرار کند. همچنین اقرار می‌بایست در دادگاه و نزد قاضی بیان شود و در هر جای دیگری که بیان شود پذیرفته نیست. لذا بدون تحقق شرایط صحت اقرار، هیچگونه مسئولیت کیفری، براساس قانون مجازات اسلامی برای هیچ شخص حقیقی بوجود نمی‌آید و در صورت اقرار فرد بازداشت شده در مدت بازداشت غیرقانونی، این اقرار به استناد خدشه وارد شدن به آزادی فرد، انجام اقرار در جایی غیر از دادگاه و نزد قاضی معتبر نمی‌باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه قانونگذار، به دلیل ماهیت مجرمانه بازداشت غیرقانونی برای مرتکبین این جرم، مجازات تعیین نموده، به طریق اولی نتایج حاصله از اقدامات غیرقانونی آنها نیز بی اعتبار خواهد بود. (خالقی، ۱۳۹۹: ۴۶۷) علاوه بر آن، اکراه و اجبار نیز از موجبات فساد اقرار محسوب می‌گردد.

یکی از مصادیق اکراه ناقص، حبس می‌باشد و در این رابطه، محبوس بودن یا تحت نظر بودن یا دست و پا بسته بودن فرد، قرینه صحت ادعای اوست و در این مورد فرقی بین بازداشت و حبس قانونی و غیرقانونی نیست؛ حتی اگر دلایلی بر صحت اقراری که تحت تأثیر اکراه بوده نیز اقامه شود باز هم باطل است، مگر اینکه پس از رفع اکراه، فرد اقرار خود را تکرار کند و بر آن باقی باشد.

با وجود این ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی را می‌توان به‌عنوان مانعی برای استنادناپذیری اقرار فرد در بازداشت غیرقانونی و خودسرانه دانست. براساس این ماده، هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد، فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به‌عنوان اماره قضائی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود لذا به نظر می‌رسد ممنوعیت اینگونه بازداشت و نامشروع بودن این عمل با فرض محکومیت متخلفین، به تنهایی کفایت نمی‌کند. (فرجیها و یاری، ۱۳۹۱: ۲۲)



۴.۴. ادله تحصیل شده از طریق تفتیش یا تجسس غیرقانونی و نقض حریم خصوصی

بدون مجوز قانونی

آنچه اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی به آن تصریح دارد، ضامن بخشی از امنیت اجتماعی شهروندان بوده که در صورت نقض آنها، موجبات از بین رفتن بخشی از امنیت اجتماعی نیز فراهم خواهد شد و کار به جایی خواهد رسید که هر شخص برای حراست از حریم معنوی خویش به هر وسیله ممکن متوسل خواهد شد. در قانون آئین دادرسی کیفری چند مصداق برای بازرسی ذکر شده است که عبارتند از بازرسی بدنی، بازرسی منازل و بازرسی اشیاء که برای هر یک از این موارد، شرایط و قیود خاصی در قانون پیشی بینی گردیده و عدم رعایت هر یک از این موارد، به منزله غیرقانونی بودن تفتیش و در نتیجه، نقض حریم خصوصی افراد خواهد بود. (کوشکی، ۱۳۸۶ الف: ۱۴۳) بر اساس بند هشتم ماده واحده «قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بازرسی ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی وضبط بی مورد آنها خودداری گردد.

مهم ترین ایراد وارده به مقررات بازرسی توسط ضابطین، محدود نبودن حدود و شرایط لازم جهت تشخیص جرایم تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی، می باشد که منجر به تفسیر موسع در رابطه با مصادیق این قبیل جرایم گردیده و در مقام عمل، تمامی اسباب مجرمانه به استناد ماهیت مجرمانه آنها ثبت و ضبط شده و برای فرد، اتهامات جدیدی لحاظ می گردد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۴۷۴) در حال حاضر در قوانین و مقررات ایران، در صورت نقض حریم خصوصی افراد در نتیجه اقدامات غیرقانونی ضابطین و مأمورین، ضمانت اجراهای انتظامی و کیفری برای فرد متخلف پیش بینی شده است. با این حال، در ارتباط با استناد پذیری یا عدم تأثیر ادله تحصیل شده ناشی از تفتیش و تجسس غیرقانونی، ضمانت اجرایی لحاظ نشده است که این موضوع اولاً برای تضمین اجرای قواعد دادرسی کیفری کافی نبوده و ثانیاً برای مقامات قضایی و ضابطین دادگستری، بازدارندگی لازم جهت خودداری از ارتکاب تخلف را ایجاد نمی نماید. (تدین، ۱۳۸۸: ۱۰۲)

۴.۵. ادله تحصیل شده از طریق تحریک شخص مظنون به ارتکاب عمل مجرمانه یا

دام گستری برای مظنون

در حقوق موضوعه کشورهای مختلف، نسبت به دفاع دام گستری، رویکرد واحد و تثبیت شده ای وجود ندارد. اگر دفاع دام گستری را بپذیریم، طیف وسیعی از متهمان، مخصوصاً در جرایم سازمان

یافته که باهوش‌ترین و زیرک‌ترین متهمان هستند، خواهند توانست با توسل به آن، از تعقیب کیفری رها شوند. لیکن اگر دفاع دام‌گستری را نپذیریم و اجازه این عمل را به مقامات قضایی در کشف کلیه جرایم بدهیم، حقوق دفاعی متهمین پایمال شده و در چنین نظام قضایی، هیچ‌کس احساس امنیت و مصون ماندن از خطرات محتمل قضایی نخواهد داشت. از طرف دیگر، جواز توسل به طرق دام‌گستری و استفاده از تحریک و فریب و اغفال در کشف جرم، با ماهیت وظایف مقامات قضایی تعارض دارد لذا به علت وجود این تعارضات، اکثر نظام‌های کیفری، اصلاً وارد ماهیت این موضوع نشده و به چالش‌های فراروی جواز یا عدم جواز عملیات دام‌گستری، هیچ‌گونه توجهی نکرده‌اند. (Ashworth, 1991:231)

عملیات محیلانه در حقوق کیفری ایران، اصل دادرسی منصفانه و مشروعیت تحصیل ادله را نقض می‌کند و مشروعیت دستگاه قضا را زیر سؤال برده و باعث ترویج بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضا و در نهایت، سلب اعتبار و مشروعیت از ادله اکتسابی می‌شود. (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۱۸) این موضوع، یعنی پایبندی به اصل مشروعیت تحصیل دلیل، در خصوص مأموران پلیس که براساس نیابت قضایی و تحت نظارت و مسئولیت دادرسان، اقدام به تحصیل و جمع‌آوری ادله می‌نمایند نیز صادق است. رویه قضایی، توسل مأموران پلیس به عملیات محیلانه را شانه خالی کردن از احترام به مقررات قانونی و قواعد کلی دادرسی دانسته است که بازپرس یا نماینده او با نادیده گرفتن آنها به حقوق دفاعی متهم لطمه وارد می‌آورند. (تدین، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

حال مسأله این است که موقعیت چنین دلایلی در نظام کیفری ایران چگونه است. آیا گزارش ضابطین دادگستری در شرایطی که دلیل جرم را به واسطه اغفال مرتکب تحصیل کرده‌اند اعتبار دارد؟ مقررات کیفری ایران در این خصوص صراحتی ندارند، اما متون دینی و اخلاقی آکنده از نواهی تکلیفی و تنزیهی است که مردم را از تجسس، هم‌مز و لمز، عیب‌جویی و افشای اسرار یکدیگر باز می‌دارد. دولت‌مردان و قضات نیز از افشای اسرار مردم نهی شده‌اند و آنها نیز مشمول دستور و توصیه به ستر عیوب و خطایای مردم‌اند. (حسینی، ۱۳۹۴: ب: ۱۲۵ و ۱۲۶) بنابراین بعید است که در حقوق اسلامی کشف جرائم شخصی از طریق دام‌گستردن برای مجرم امر پسندیده‌ای باشد. علاوه بر آن، براساس مواد ۲۸ و ۴۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری، اولاً عمل مأموری که برای کشف جرم اقدام به تله‌گذاری می‌کند را نمیتوان قانونی دانست و ثانیاً شرافت امر قضا و وجدان قاضی اجازه نمی‌دهد حيله و فریب به کار رفته توسط مأموران را مبنای صدور حکم قرار دهد. با این اوصاف بدیهی است دام‌گستری و پنهان کاری در کسب ادله همواره باید به‌عنوان شیوه‌ای استثنائی و فقط در جرایم مهمی که قانونگذار از پیش آن‌ها را تعیین و احصا نموده است و فقط تحت شرایط مقرر قانونی صورت پذیرد. اقدامات پلیس و عملیات پلیسی فقط باید آشکارکننده جرایم در حال ارتکاب باشد، نه

آنکه کسی را به ارتکاب تحریک نماید و خود پدیدآورنده یک جرم کیفری باشد. اعمال پلیس ضرورتاً باید تحت نظارت مقام قضایی ذیصلاح صورت پذیرد و هرگونه عملکرد پلیس بدون نظارت قضایی، خودسرانه و باطل اعلام شود. (تدین، ۱۳۸۸، ۱۹۴)

۵. معلوم نبودن شیوه رسیدگی به ادعا یا درخواست ابطال دلیل یا اقدام تحقیقی انجام یافته در حقوق ایران

در نظام دادرسی کیفری ایران، اگرچه مقنن به برخی از حقوق دفاعی متهم در قانون اساسی و قوانین دادرسی کیفری تصریح کرده است و تحت شرایطی، امکان اعمال ضمانت اجرای ابطال تحقیقات مقدماتی و ادله تحصیل شده از طرق غیرقانونی پیش‌بینی شده است، لیکن در تطبیق با اصول دادرسی منصفانه و تضمینات حقوق بشری در اثنای تحقیقات مقدماتی، شیوه رسیدگی به ادعا یا درخواست ابطال تحقیقات و ادله اصلاً پیش‌بینی نشده است. (تدین، ۱۳۸۷: ۹۲) بدیهی است که مهم‌ترین و اصلی‌ترین و به بیانی دیگر فرصت طلایی جهت طرح ادعای نقض حقوق دفاعی از سوی متهم در مرحله دادرسی می‌باشد چرا که محمل زمانی نقض حقوق متهم، در مرحله تحقیقات مقدماتی بوده و رسیدگی به ادعای ابطال ادله یا اقدام تحقیقی می‌بایست به صورت فوری و بدون فاصله از تحقیقات انجام پذیرد که به دلیل عدم اطلاع متهم از حقوق دفاعی خود پیش از ملاقات با وکیل و عدم پیش‌بینی ضوابط مشخص برای بررسی ادعای متهم، عملاً فرصت طلایی برای متهم از بین خواهد رفت. با این وجود، امکان رسیدگی به ادعای متهم، در مرحله رسیدگی بدوی ایجاد می‌گردد که در نتیجه این تأخیر ممکن است علاوه بر تضییع حقوق متهم و ایراد ضرر و زیان به وی، بسیاری از آثار نقض حقوق دفاعی متهم مانند شکنجه و... به صورت کلی از بین برود و امکان اثبات آن وجود نداشته باشد. (مؤذن زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۴۰) لذا در صورت پیش‌بینی ضمانت اجرای ابطال ادله در مقررات کیفری ایران، تعیین مرجع مشخص برای رسیدگی فوری به ادعا یا درخواست متهم جهت ابطال ادله یا اقدام تحقیقی، در مرحله دادرسی و ارائه نتایج بررسی‌های صورت گرفته پیرامون آن ادعا یا درخواست به بازپرس، امری اجتناب ناپذیر و ضروری می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

مرکز ثقل دعاوی، دلیل است. ادله به‌عنوان وسایلی که از نظر قانونی بتوانند وجود یا فقدان یک واقعه یا صحت و سقم یک موضوع را تایید کنند، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل آیین دادرسی کیفری به حساب می‌آیند. هرچند کشف حقیقت، هدف و منظور اساسی دادرسی کیفری است ولی این مهم

نمی‌تواند با عدول از قواعد دادرسی و با توسل به وسایل و شیوه‌های غیرقانونی به دست آید. شأن و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی، مستلزم رعایت اصول و قواعد دادرسی است. در این پژوهش مشخص گردید که هرگاه موازین اساسی حقوق بشر در فرایند تحصیل دلیل به شکل فاحشی نقض شود و یا تحصیل دلیل متضمن رفتارهایی باشد که تحدید کننده کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از جمله حریم خصوصی، منافی شأن دستگاه عدالت کیفری و مغایر با مقتضیات اعتماد عمومی شهروندان به سیستم عدالت کیفری باشد، صرف تعقیب متخلفین (اعم از تعقیب کیفری یا انتظامی) نمی‌تواند جنبه پیشگیرانه و بازدارندگی کافی داشته باشد. همچنین ضمانت اجرای الزام مقامات یا افراد متخلف به جبران خسارت بزه‌دیده در صورت بقای آثار ادله تحصیلی، تنها برای مدتی محدود، تضمین کننده حقوق از دست رفته شخص متضرر از تخلف خواهد شد و در نهایت ممکن است این فرد به استناد همان ادله تحصیل شده از روش‌های غیرقانونی، محکوم شود. از همین رو ضرورت دارد که در چنین مواردی قانون یا رویه قضایی، ادله بدست آمده را باطل و نتایج تحقیقات غیرقانونی را بی‌اعتبار بشناسد.

ابطال دلیل یا نتیجه تحقیقات، از آنجا جنبه پیشگیرانه مؤثر دارد که اولاً انگیزه تخلف را از متخلفین بالقوه می‌گیرد و ثانیاً شخص متضرر از تخلف را به پیگیری تخلف و اثبات وقوع آن، ترغیب و تشویق می‌کند. همین‌طور ضمانت اجرای بطلان و بی‌اعتباری، جنبه نمادین داشته و اهمیت والای مقررات مربوط و اصول حاکم بر تحصیل دلیل را به دست اندرکاران نظام عدالت کیفری یادآور می‌شود و خود این جنبه نمادین می‌تواند از لحاظ معنوی تأثیر بازدارنده داشته باشد و در نهایت موجب افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی گردد. افزایش اهمیت الزامات قانونی در نظر مراجع قضائی و اصحاب دعوی از طریق متوقف ساختن فوری تحقیقات غیرقانونی در حال انجام، از دیگر امتیازات استثنایی و منحصر به فرد ضمانت اجرای بطلان تحقیقات می‌باشد که به نسبت سایر ضمانت اجراها (تعقیب انتظامی و جبران خسارت) جایگاهی ممتاز برای آن ایجاد می‌نماید.

با این حال در نهایت، انتخاب ضمانت اجرای بطلان و بی‌اعتباری، یک گزینه سیاست جنایی است که قانونگذار هر کشوری، باید ضمن رعایت پیش‌نیازهای اساسی و بنیادین نظیر برقراری موازنه و توازن میان ملاحظات گوناگون از جمله تعهدات بین‌المللی حقوق بشر، اصول بنیادین نظام حقوقی داخلی (از جمله موازین شرعی در کشور ما)، تعارضات حقوق و آزادی‌های اساسی افراد با نظم و امنیت عمومی، منافی که در کشف و تعقیب برخی جرایم، استفاده از شیوه‌های فوق‌العاده را توجیه می‌کند و... در مورد حیطه کاربرد آن تصمیم‌گیری نماید. آنچه که می‌توان از وضعیت کنونی حقوق ایران استنباط نمود این است که ادله‌ی اثبات در امور کیفری شرایطی دارند که عدم رعایت این شرایط باعث سلب ارزش و اعتبار و عدم قابلیت استناد به آنها می‌گردد. لازمه‌ی عقلی و منطقی بطلان چنین



ادله‌ای، این است که فرایند دادرسی یا تحقیقاتی که بر مبنای ادله باطل شده استوار گردیده اند، متوقف و اقدامات یا مستندات باطل شده از فرایند دادرسی خارج و هرگونه استخراج اطلاعات از آنها علیه متهم ممنوع گردد. در نظام حقوقی ایران، به نظر می‌رسد هرچند در اصل ۳۸ قانون اساسی، به بی‌اعتباری اقرار و شهادت ناشی از شکنجه در همه حالت‌ها اعم از روحی و جسمی، علیه خود متهم یا شخص ثالث و صور مختلف آن (اقرار، سوگند و شهادت) تأکید گردیده، در باب چگونگی اثبات شکنجه یا سوء رفتاری که موجب به بطلان دلیل می‌شود، شفافیت کافی وجود ندارد. همچنین قانونگذار در مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامی برخلاف تصریح اصل ۳۸ قانون اساسی، قائل به تفکیک شکنجه جسمی و روحی گردیده و در نتیجه به‌طور ضمنی، ضمانت اجرای ابطال تحقیقات را محدود به اعمال شکنجه‌های جسمی ساخته است.

همچنین باوجود اینکه اصل ۳۵ قانون اساسی «حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل» را به رسمیت شناخته و آیین دادرسی کیفری کنونی نیز سلب حق دسترسی به وکیل را موجب مسئولیت قانونی و انتظامی دانسته است لیکن پیش‌بینی این ضمانت اجرا، به قدر لازم برای جلوگیری از تضییع این حق متهم کفایت نمی‌نماید لذا پیش‌بینی اصل نظارت و حضور وکیل در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی با ضمانت اجرای بطلان تحقیقات، از جمله راهکارهای قانونی است که ضمن تقویت وصف دادرسی منصفانه، اعتماد عمومی را به سیستم عدالت کیفری ارتقاء می‌بخشد.

بعلاوه هرچند قانونگذار، تحقیق در جرایم منافی عفت را جز در برخی موارد استثنایی ممنوع دانسته، یا تجسس و نقض حریم خصوصی اشخاص را بعضاً دارای ضمانت اجرای کیفری شمرده است، معلوم نیست که نقض اینگونه ممنوعیت‌ها، در چه مواردی (اگر اصولاً موضوعیتی داشته باشد) موجب بطلان دلیل یا تحقیقات صورت گرفته خواهد شد. همچنین ممنوعیت بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در قوانین اساسی و عادی ایران از لحاظ حقوقی به رسمیت شناخته شده و برای متخلفین از این مقررات، مجازات تعیین گردیده و ضمانت اجرای مشخصی برای جبران خسارت بزه‌دیده پیش‌بینی شده است لیکن تردیدهایی در مورد عدم استنادپذیری اقرار و اظهارات احتمالی شخص بازداشت شده در مدت بازداشت غیرقانونی یا خودسرانه، وجود دارد که ناشی از سکوت و اجمال قوانین فعلی است.

سرانجام، یکی از پیشنهادات مشخص این مقاله آن است که هرگاه نقض حریم خصوصی، توسط مقامات رسمی و به شکل تخطی از قانون اساسی باشد، دلایل و تحقیقات انجام شده به کلی فاقد اعتبار شناخته شود. اما چنانچه نقض حریم خصوصی توسط شهروندان عادی صورت گیرد (در غیر مواردی که شرعاً ادله بی اعتبار شناخته می‌شود)، ادله به‌دست آمده از شیوه‌های غیرقانونی اصولاً مورد قبول قرار گیرد. توجیه برای تفکیک نقض‌های ارتكابی توسط مقامات عمومی از نقض‌های

ارتكابی توسط شهروندان عادی، این است كه رفتار مقامات عمومی به عنوان نماینده حاكمیت، باید الگو و نمونه رعایت قانون باشد و به هیچ وجه نمی توان تحمل كرد كه نتیجه سوء استفاده از قدرت و تخلف يك مقام رسمی، در دادگستری به عنوان دلیل یا تحقیق معتبر، پذیرفته شود. درحالی كه برای پیشگیری از نقض حریم خصوصی توسط شهروندان، معمولاً ضمانت اجرای کیفری كفایت می كند و چون شهروندان در موقعیت سوء استفاده از قدرت رسمی نیستند، ضرورت استفاده از ضمانت اجرای بطلان دلیل، در مورد آنها، اغلب آنچنان قوی نیست كه ارزش صرف نظر كردن از تعقیب جرایم قابل اثبات از طریق چنان دلایلی را داشته باشد.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۶)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد ۲، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۰)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد ۴، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد (۱۳۷۸)، «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب»، **مجله مجتمعا آموزش عالی قم**، سال اول، شماره ۳، ص ۴۷-۶۴.
- اختری، سجاد و دارابی، لطف الله (۱۳۹۶)، «تضمینات حق برخورداری از وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین المللی»، **فصلنامه علمی کارآگاه**، سال نهم، شماره ۴۰، ص ۵۰-۶۵.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۰)، «شکنجه»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۹، ص ۱۷۹-۲۱۵.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۳، ص ۶۰-۹۳.
- الهام، غلامحسین، گلدوزیان، حسین (۱۳۹۲)، «تحلیل مفهوم و شرایط تحقق دام گستری با رویکردی تطبیقی در حقوق کیفری آمریکا و ایران»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۴، ص ۱۰۷-۱۳۵.
- امیدی، جلیل (۱۳۸۲)، «دادرسی کیفری و حقوق بشر»، **فصلنامه مجلس و پژوهش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۱۱۳-۱۴۶.
- پوربافرانی، حسن، رحیمی، رؤف (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی جرم شکنجه در حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه»، **مجله حقوقی دادگستری**، سال هشتم، شماره ۹۳، ص ۳۷-۶۰.

پورزند مقدم، پژمان (۱۳۸۰)، «ژرف ساخت دلیل کیفری»، **مجله حقوقی و قضایی دادگستری**، شماره ۳۴، ص ۹-۳۲.

تدین، عباس (۱۳۸۷)، «نظریه بطلان دلیل در فرایند دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق فرانسه)»، **تحقیقات حقوقی آزاد دانشگاه شهید بهشتی**، دوره ۳، ص ۷۶-۹۴.

تدین، عباس (۱۳۸۸)، **تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
تدین، عباس (۱۳۸۸)، «احترام به حریم خصوصی اشخاص در مقام تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری ایران، فرانسه و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، **نامه مفید**، شماره ۷۳، ص ۸۳-۱۰۴.

جعفری، فریدون؛ موسوی، سید رویا؛ اسلامی همدانی، امیر (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب در حقوق داخلی ایران و اسناد و رویه‌های محاکم کیفری بین‌المللی»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۲۰، شماره ۴، ص ۲۵-۵۲.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، **مجموعه محشای قانون مدنی**، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.

حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، تهران: سمت.

حشمتی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «تحصیل دلیل از طرق نامشروع»، **جستارهای فقه و حقوق**، شماره ۲، ص ۶۸-۷۸.

خالقی، علی (۱۳۹۹)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ پانزدهم، تهران: شهر دانش.
دریابیگی، سیمین دخت، جانی‌پور، مجتبی، سبحانی، مهین (۱۳۹۷)، «بررسی قاعده رد ادله در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا»، **مطالعات حقوقی**، دوره ۱۰، شماره ۳، ص ۱۰۲-۱۳۰.

رحیمی‌نژاد، اسماعیل، صادقی، سالار (۱۳۹۷)، «بررسی چالش‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ارتباط با ضابطان دادگستری»، **فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی**، سال هشتم، شماره ۴، ص ۱-۲۰.

زراعت، عباس (۱۳۹۰)، **بطلان در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
زمانی‌درمزاری، محمدرضا (۱۳۹۷/۱۱/۱۲)، «حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در حقوق ایران»،

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳)، «تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، دوره ۲، شماره ۶، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری و علوم جنایی»، **مجتمع آموزش عالی قم**، سال چهارم، شماره ۱۴، ص ۶۵-۸۸.
- صابر، محمود (۱۳۸۸)، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۴۳-۱۷۶.
- صادقی، محسن (۱۳۸۴)، **اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۴)، «قاعده رد ادله در حقوق ایالات متحده و مقایسه ی آن با ضمانت اجرای مشابه در حقوق ایران»، **فصلنامه آموزه‌های کیفری**، شماره ۹، ص ۱۲۹-۱۵۴.
- ضیایی فر، محمدحسن (۱۳۸۶)، «حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقاتی با تاکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، **فصلنامه حقوق اساسی**، شماره ۸، ص ۴۱۷-۴۳۳ الی ۴۳۳.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۰)، «فرایند نظارت انتظامی بر رفتار قضات»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۷۵، شماره ۷۶، ص ۲۰۹-۲۲۹.
- عباسلو، بختیار (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری»، **فصلنامه دانش انتظامی**، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۸۷-۱۳۰.
- عسکری، فرزاد (۱۳۹۴)، «حقوق متهم و کرامت انسانی»، **فصلنامه علمی کارآگاه**، سال هشتم، دوره ۲، شماره ۳۰، ص ۶۱-۶۸.
- غلامی، نبی اله، مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۶)، «جایگاه الزامات اخلاقی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، **نشریه اخلاق زیستی دانشگاه علامه طباطبائی**، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۳۱-۴۴.
- فرجیها، محمد، مقدسی، محمد باقر (۱۳۸۷)، «رویکرد تطبیقی به قاعده معتبر ناشناختن ادله در نظام عدالت کیفری کامن لا و ایران»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۲، شماره ۳، ص ۱۱۳-۱۴۴.
- فرجیها، محمد، یاری، اللهیار (۱۳۹۱)، «اعتبار گزارش‌های مبتنی بر تفتیش و بازرسی ضابطین»، **فصلنامه علمی کارآگاه**، سال پنجم، دوره ۲، شماره ۱۹، ص ۶-۲۷.

- کاتوزیان، ناصر، غمامی، مجید (۱۳۷۶)، **مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود**، چاپ اول، تهران: دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، **الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی**، جلد ۱، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲)، «بررسی مهم ترین نوآوری های حمایتی و سازمانی لایحه آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی»، **دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی)**، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات میزان، ص ۴۹۵-۵۱۸.
- کوشکی، غلامحسین، سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۴)، «تطبیق بازرسی و تفتیش در الگوی دادرسی ایران و آمریکا»، **مجله پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی**، سال سوم، شماره ۵، ص ۹۵-۱۳۳.
- کوشکی، غلامحسین، سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۹۴، ص ۱۹۳-۲۲۷.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، چاپ چهارم، تهران: مجد.
- گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۹۸، **کلیات آئین دادرسی کیفری**، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات جنگل.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۶)، **کلیات حقوق جزا**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: گنج دانش.
- موسوی، سیدعباس (۱۳۸۲)، **شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا**، چاپ اول، تهران: انتشارات خط سوم.
- مؤذن زادگان، حسنی (۱۳۸۹)، «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، **دو فصلنامه حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی**، دوره ۱۲، شماره ۲۸، ص ۳۰۱-۳۳۰.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۴)، «لزوم رعایت حقوق بنیادین بشر به عنوان امره بین المللی»، **دیدگاه های حقوق قضایی**، شماره ۳۴ و ۳۵، ص ۱۵۲-۱۵۷.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۴)، «موانع و شرایط تحقق عدالت در دستگاه قضایی»، **نشریه حکومت اسلامی**؛ شماره ۳۶، ص ۴۲-۶۵.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، **جرائم علیه اشخاص**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ناجی، مرتضی (۱۳۸۵)، «بی طرفی در دادرسی کیفری»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۶ و ۵۷، ص ۲۹-۷۸.



نوبهار، رحیم (۱۳۹۰)، «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، *آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره ۱، ص ۹۲ - ۱۱۴.

نیک نفس، مهدی (۱۳۸۴)، «مفهوم شکنجه: استاندارد واحد یا متفاوت (از دیدگاه حقوق بین‌الملل)»، *نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، شماره ۳۳، ص ۱۸۹-۲۳۰.

Ashworth, Andrew (1991), **Principles of Criminal Law**, New York, Oxford University Press.

Cassese, Antonio (2008), **International Criminal Law**, 2nd Edition, London, United Kingdom, Oxford University Press.

Eileen Skinnider (2005), «Improperly or Illegally Obtained Evidence The Exclusionary Evidence Rule in Canada» ,**International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy**, p. 1-25.

Evans, Malcom (1998), **Preventing Torture**, New York, Oxford University Press.

Holmstrom, Leif (2000), **Conclusions and Recommendations of the UN Committee Against Torture**, Vol. 2, The Hague, Martinus Nijhoff Publishers.

Peters, Edward (1996), **Torture**, 2nd Edition, University of Pennsylvania.

pradel, j (2001), «Les personnes suspects ou poursuivies aores la loi du 15 juin 2000» ,**Dalloz**, , no 14, p. 1105-1127.

Roy R. Ray (1955), «Restrictions on the Use of Illegally Obtained Evidence», **SMU Law Review**, p.434-442.

Thienel, Tobias (2006), «The Admissibility of Evidence Obtained by Torture under International Law» ,**The European Journal of International Law**, Vol. 17, no.2, p.349-367.